

اگر چه اصول و قواعد کلی چندی وجود دارد که همچون
 فرق اصلی زبان اصول و کلیات ساختمان بدنی انسانی در تمام زبانها
 فارسی با زبان عربی یکسانست مانند اصل ترکیب حروف و قاعده تالیف کلمات
 که در همه زبانها موجود میباشد ولی با این حال اموری
 یافت میشود که همچون اختلافاتی که در رنگ و پوست و کیفیت قامت نژاد
 هاست، نسبت بهر زبانی اختلاف پیدا میکند و علماء علم زبانشناسی،
 (Philologie) بر اثر تفحص در علل این اختلافات موفق بتقسیم کلی ریشه
 و شاخه های السنه بشری شده اند و هر چند در شاخه هائی که از يك ریشه
 روئیده اند نیز بحکم اختلاف زمان و مکان اختلافاتی یافت میشود که نسبت بهر
 شاخه ئی کلی و مهم بشمار میروند اما این اختلافات نسبت بریشه زبانها جزئی
 و بی اهمیت است و روی اصل همین جزئی و بی اهمیت بودن اختلافات مزبور
 است که باسانی و بزودی میتوان اصل کلمات و لغات زبانهای را که از یک ریشه
 جدا شده اند بدست آورد چنانکه علماء زبان شناس اروپا ریشه کلمات و لغات
 زبانهای خود را بدست آورده و در فرهنگها و کتب فقه اللغة بآن اشاره و
 تصریح کرده اند و علت خرابی دستور زبان فارسی و اشکال اشتقاق و نحو آن
 از همین جانشی شده است که علل تاریخی، فارسی زبانان را با عربی گویان
 پیوستگی داده و در نتیجه این پیوستگی کلمات بالنسبه زیادی از عربی داخل
 زبان فارسی و کلمات بالنسبه کمی از زبان فارسی وارد زبان عربی شده است
 و بعد از این اختلاط، علماء لغت هر دو زبان با يك فکر و يك وسیله و یکنوع
 تحقیق خواسته اند مواد اشتقاقی و قواعد نحوی زبان فارسی و عربی را مثل هم
 یافته و تدوین کنند در صورتیکه ریشه زبانهای آنها با یکدیگر بقدری اختلاف
 داشته اند که تقریباً این امر غیر ممکن بوده است زیرا: زبان عربی از ریشه
 سمیتیک، (Samitique) و زبان فارسی از ریشه هندواروپائی، جدا شده
 و از اصل با هم اختلاف دارند. بنا بر این: نه حروف ایندو زبان یکی است و
 نه کلمات آنها بهم شباهت دارد و نه ترکیب صحیح و درست و ادبی جمله های
 فارسی مانند جمله های صحیح و درست و ادبی عربی میباشد با وجودیکه از
 تمام اینجهات زبان عربی با زبان عبری و قبطی و زبان فارسی با زبان لاتین

شبهات دارد و همین مشابهت بین فارسی و زبانهای اروپائی امروز که از لاتین جدا شده اند، وجود دارد چنانکه در تلفظ حرکات حروف متحرکه (Voyelles) و صامت (Consonnes) و کلماتیکه دارای صدای مرکب (Diphthong) هستند بین تلفظ انگلیسیها و فرانسویهای امروز و ایرانیهای قدیم شبهات موجود است (۱) در صورتیکه یکسفر ایرانی نمیتواند حرکات حروف کلمات عربی را هر قدر هم عربی دان باشد مانند عربها تلفظ کند و در خصوص کلمات هم شبهات بسیاری بین کلمات فرانسه و انگلیسی با فارسی موجود است که از یکریشه بودن آنها را ثابت میکند چنانکه دو حرف پ، و، در، در کلمه: پدر، فارسی و Père، فرانسه و Pather، انگلیسی و دو حرف م، و، در کلمه مادر، فارسی و Mère، فرانسه و Mather، انگلیسی یکی است و در سایر کلمات عمومی قدیمی هر سه زبان هم (نه کلمات خصوصی جدید که بناء بر احتیاج تازه وضع شده است) همین مشابهتها موجود است در صورتیکه کلمات اب، و، ام، عربی و سایر کلمات اینزبان با فارسی این نوع مشابهت را ندارد و همینطور است وضع ساختمان جمله چنانکه در فارسی و لاتین اگر يك جمله از فعل و فاعل و مفعول مرکب شده باشد اول فاعل دوم مفعول سوم فعل دیده میشود در حالیکه همین جمله در عربی بشکل دیگری ترکیب شده است یعنی اول فعل دوم فاعل سوم مفعول دیده میشود مثلا ترکیب اینکلمات در فارسی صحیح ادبی اینطور است: زید عمرو را کشت، و در عربی اینطور: قتل زید عمرو آء (کشت زید عمرو را) بناء بر این معلوم میشود که بواسطه اختلاف ریشه زبان فارسی با ریشه زبان عربی صرف و نحو ایندو زبان با یکدیگر بقدری تفاوت دارد که نمیتوان با دانستن صرف و نحو یکی از آنها در دیگری ادیب شد.

(۱) هر چند تلفظ صحیح اغلب کلمات فارسی که صدای مرکب هستند، امروز از بین رفته است چنانکه تلفظ یاه کلمه شیر، خوراکی با تلفظ یاه کلمه شیر، یعنی حیوان درنده یکطور شده است ولی با وجود این؛ بواسطه ضبط صحیح اینگونه کلمات در فرهنگهای معتبر میتوان دانست که تلفظ حرکات حروف صدا دار فارسی زبانان قدیم مانند تلفظ فرانسویها و انگلیسیهای امروز بوده است.